

□

روز سیزدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه، گلستان هنر نگارگری معاصر ایران، در اندوه خزان بی هنگام یکی از نقش پردازان پر کار و چیره دست خود به ماتم نشست.

استاد محمد مختار تجویدی، نقاش و مینیاتورست ارزنده و خلاق، از پس نزدیک به شصت سال نقش آفرینی در عرصه هنر، در پی بروز یک بیماری نابهنگام و صعب العلاج و عمل جراحی، از بیمارستان، ناباورانه به سوی دیار دوست شتافت. روحش قرین رحمت حق باد.

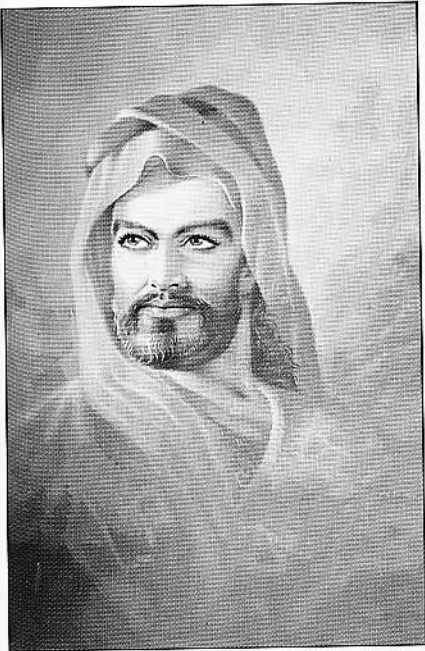
زنده یاد استاد محمد تجویدی فرزند شادروان هادی تجویدی نگارگر پر آوازه و استاد آبرنگ مدرسه صنایع مستظرفه (مدرسه کمال الملک) است. استاد هادی تجویدی همان هنرمند بی نظیری بود که در سال ۱۳۰۹ شمسی به عنوان نخستین معلم مینیاتور در مدرسه «صنایع قدیمه» برگزیده شد. مدرسه ای که به قصد احیاء هنرهای ملی و سنتی ایرانی به همت مرحوم طاهرزاده بهزاد، در آن سالها شروع به کار کرده بود.

محمد تجویدی به سال ۱۳۰۳ شمسی در شهر تهران دیده به جهان نقشها و رنگهای طبیعت گشود. از کودکی هر آنچه دید و شنید قصه هنر بود و مرتبت والای آن، از عاشقی پدر به هنر بود و بی سرانجامی دل سپردن به هنر! چرا که زندگی پدرش هادی خان، نگارگر پر آوازه شهر، و قدرشناسی های زمانه بی وفا، آئینه ای بود از عاقبت هنر و هنرمندی در این دیار.

پدر وقتی شور و شوق فرزند نوجوانش را به نقاشی می دید. به هر تدبیر و تمهید که بود نمی خواست اجازه دهد فرزندش پا به عرصه هنر بگذارد بنابراین پسر را زنهار می داد که: «دستت را قلم می کنم، اگر قلم به دست بگیری» این جمله ماندگار در

تاریخ هنر معاصر، که معنا و شهرتی خاص بین هنرمندان پیدا کرده، در واقع بیانگر بی مهری ایام و نامرادی هنرمندان واقعی از قدر و منزلت و مرتبه ای است که تاریخ هنر ما و چه بسا هنر جهان کمتر به یاد دارد. کمتر هنرمندی را سراغ داریم که در زمان زندگی و حیات بخت و اقبال آن را داشته باشد که زمانه ارزش سزاوار هنرش را درک و دریافت کند و پاسخ شایسته ای از ایشار عشق، به پای هنر و ریاضتهای این وفاداری نصیبش سازد. اما چه جای تردید که به قول آن پیر و فرزانه هنر که گفت: «مزد هنر در خود هنر است.» یعنی که هنرمند در همان لحظه های عرفانی و ناب خلق اثر است که مزدش را می گیرد. چه بسا این همان اجر و مزد معنوی است که در طول تاریخ، سبب تداوم جریان هنر شده است.

به هر تقدیر هر چه هادی خان کوشید که پسر را از کار هنر دور سازد بی نتیجه بود. چه جای تأمل و تفکر و اطاعت از



دل بوم می نشاند، تو گویی زندگی برای این جوان صاحب ذوق، خبر این نقشهای زیبا و ماندگار نبود، انگار که فرزند دیده بسته بود به دیدن آن رنجهای و ناکامیها و سختی معیشت هنرمندان پیر و ناسپاسی های روزگار. سرانجام عشق ذاتی و فطری به هنر بر منطق چیره گشت و

خاک شو، تاگل بروی رنگ، رنگ

سید محمود افتخاری
موزه هنرهای ملی ایران

مرزهای تردید پدر یک به یک تسلیم شور عشق پسر شدند و بدین سان محمد تجویدی به مدد دل شوریده پا به گلستان بی انتهای هنر نهاد. او از همان آغاز القبای طراحی و نقاشی را در محضر پدر فرا گرفت و هر از گاه صبح زود به همراه پدر که گفتیم معلم مینیاتور مدرسه صنایع قدیمه بود، راهی این مدرسه پر صفا می شد و شاهد کار استاد و تعلیم شاگردان

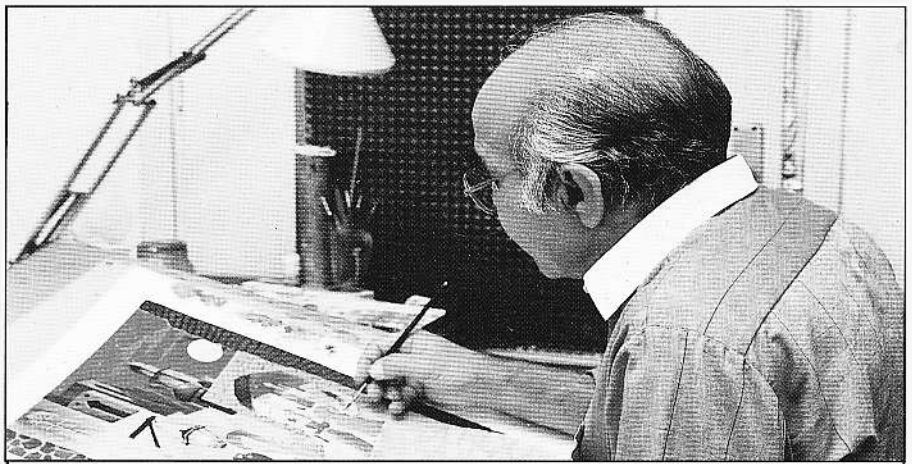
پدر، که عشق به هنر در عمق روح و جان فرزند نوجوان ریشه داشت. فرمان دل بود که محمد را نیروی هنر آفرینی می داد نه منع و اصرار و پند پدر از عاقبت دلدادگی به هنر در این آب و خاک. چشم هنر بین پسر هرآنچه از زندگی خود می دید دقایق خلوت هنر بود و شور و شوق نقش آفرینی سرینجه های چابک و ورزیده پدر که به زمانی اندک نقشهای زیبا و سحرانگیز بر

قدرت قلم محمد تجویدی بر اثر کار و تلاش عاشقانه و خستگی ناپذیر به درجه‌ای از توان اجرایی رسیده بود که استاد در چشم به هم زدنی نقشی زیبا بر کاغذ طرح می‌کرد. به همین ترتیب او نه تنها برای هر موضوع و سوژه نیروی خلاقیت داشت بلکه در اجرای کار نیز از توان بی نظیری برخوردار شده بود.

در زمینه تصویرگری دیوانهای شعرا، محمد تجویدی به عنوان نخستین تصویرگر دیوان خیام و حافظ و مولانا و باباطاهر و... متجاوز از دویست کتاب شعر را به تصویر درآورده و این مقیاسی بسیار بالا در عرصه نقاشی ایران و تصویرسازی کتاب است. جالب این است که بیشتر مردم کوچه و بازار همواره حافظ و خیام را با طرحها و تصویرهای خیال انگیز و دلنشین تجویدی می‌خواندند و می‌شناختند. به همین دلیل هنرمندی پر آوازه و شناخته بین مردم شده بود. بدین ترتیب بود که تجویدی به سبب سرعت و قدرت قلم و تخیلی که پیدا کرده بود از انجام هیچ طرح و نقشی چه کوچک و چه بزرگ، از طراحی روی و پشت جلد کتاب و مجله گرفته تا هر سفارش طرح برای مردم کوتاهی نمی‌کرد و با توانی بی‌مانند و مهارتی دیدنی طرحها را اجرا می‌کرد.

حاصل کار استاد محمد تجویدی در زمینه هنر نگارگری و مینیاتور که طی نیم قرن فعالیت رسمی و شبانه روزی هنرمند حاصل آمده است به شرح زیر می‌تواند دسته‌بندی و تفکیک شود.

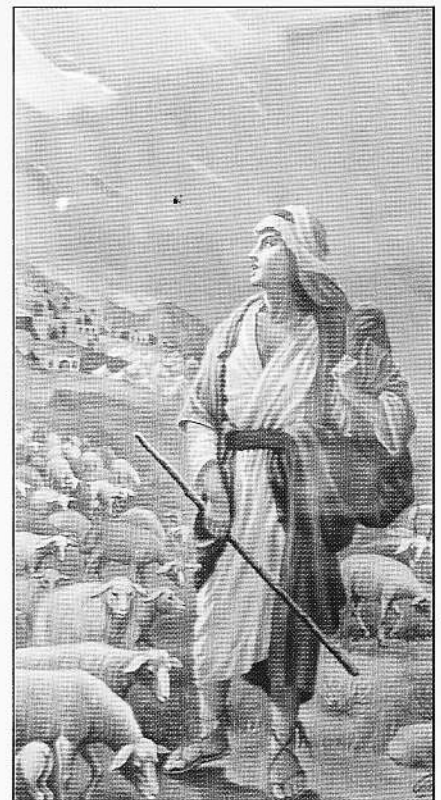
الف: در عرصه مینیاتور تابلوهای عالی و ارزشمند بی شماری که به سبک مینیاتورهای اصیل و سنتی ایران طرح و نقش شده‌اند و سرشار از عناصر هنری و پشتوانه‌های غنی هنر نگارگری ایران هستند. همچنین مینیاتورها و قلم‌گیریهایی به سبک و شیوه استاد حسین بهزاد که برخی از آنها در موزه هنرهای ملی



دستان گرم و پرتوان زنده یاد استاد محمد تجویدی پس از شصت سال نقش‌آفرینی در گلستان هنرهای سنتی ایران، ناباورانه از نقش‌پردازی دستهایش رنگها باز ماند!...

هنرمندش که در سال ۱۳۱۸ شمسی اتفاق افتاد، به سال ۱۳۲۱ رسماً وارد مدرسه صنایع قدیمه (هنرستان عالی هنرهای ایرانی) شد و شیوه‌های گوناگون نگارگری، از قلم‌گیری، پرداز و رنگ‌آمیزی را کاملاً تجربه کرد و فرا گرفت و مکتب همه اساتید زمان، زاویه، مقیمی، علی کریمی، حسین بهزاد را درک و از هر کدام توشه‌ای هنری برگرفت، تا اینکه خود در سالهای ۱۳۳۲ شمسی به درخت برومند هنر مبدل شد.

در سال ۱۳۲۳ نخستین کتاب دیوان خیام را به تصویر درآورد و بدین ترتیب میدان هنرنمایی تجویدی به سرعت گسترش یافت. توان و قدرت فوق‌العاده او در طراحی و نقش‌پردازی شهره‌خاص و عام شد. تجویدی آناتومی و پرسپکتیورا به خوبی فرا گرفته و می‌شناخت، و در خلق آثارش به ضرورت از آن بهره می‌گرفت. او بین سالهای ۱۳۲۲-۱۳۳۶ شمسی بی‌وقفه کار می‌کرد، طرح می‌زد، نقش می‌کرد. تابلوهای آبرنگ، گواش، مینیاتور، قلم‌گیری سریع قوی و محکم در طراحی، میزان کمی آثارش را بیش از دیگر هنرمندان هم‌دوره‌اش افزون می‌ساخت.

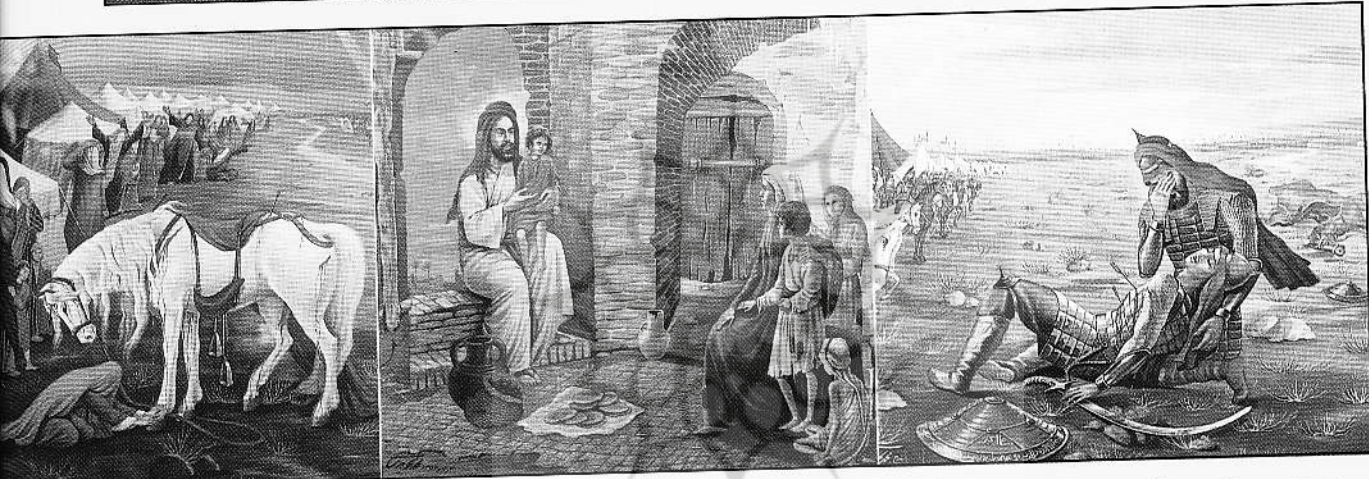
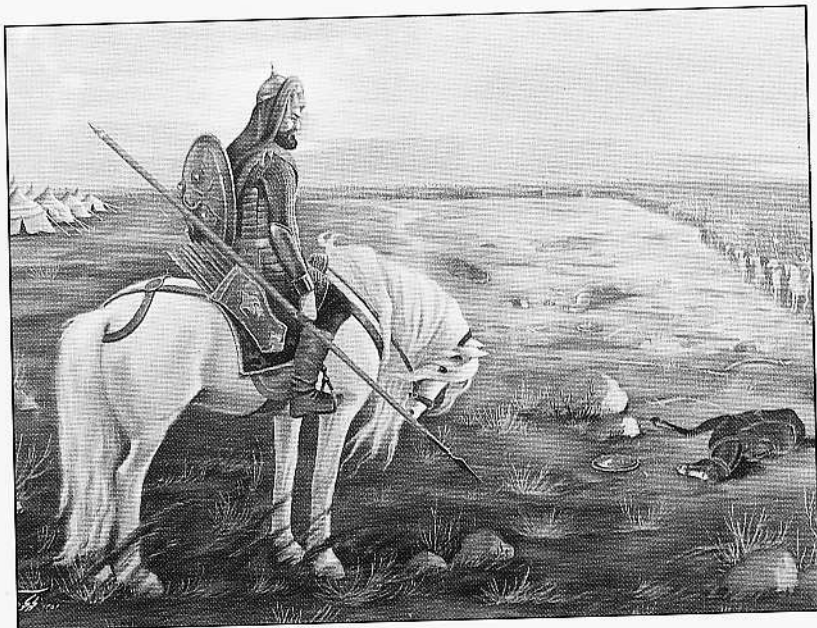


می‌گشت. شاگردانی چون محمد علی زاویه، مقیمی تبریزی، علی کریمی و... که بعدها هر کدام استاد مسلم عرصه مینیاتور ایران شدند. محمد در این کانون بی نظیر هنر بود که به رمز و راز و شگردهای طرح و رنگ آشنا و مسلط می‌گردید. این تسلط حاصل کار و تلاش زیاد محمد در این سالها بود. محمد تجویدی پس از فوت پدر

و تعداد زیادی نیز در نزد دستداران هنر و مجموعه داران داخل و خارج کشور نگهداری می شوند.

ب: تابلوهای آبرنگ و رنگ روغن و طرحهای گوناگون به ویژه مینیاتورها و نقاشیها و اتودهایی که برای ساخت تصاویر دیوان شعرا به اجراء درآورده که مشتمل بر دویست و پنجاه کتاب است.

ج: خلق دوازده اثر جاودان مذهبی که بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ شمسی نقاشی شده اند. از آن جمله است تمثال بی مثال حضرت حسین (ع) سرور شهیدان که بی تردید اوج هنرنمایی تجویدی است



و هنرمند درحالت عرفانی و روحی خاص و معنوی ناب به آفرینش شمایل خیالی امام حسین (ع) پرداخته است. چهره مقدس غرق در هاله لطیف نور و رنگ پرتوی از پختگی رنگهای مهربان را بر صورت مردانه حسین نشان می دهد. این شاهکار ارزنده استاد که یادآور کار هنرمندان نام آور نقاشی کلاسیک اروپا چون رامبراند خواهد بود، نشان دهنده احساس پاک و معرفت و اعتقاد مذهبی قلبی هنرمند به پیشوایان مذهبی و ادیان و نمایانگر قدرت خلاقیت و آفرینش هنری اوست.

شمایل زیبا و جذاب و گویای دیگری از مولای مؤمنان علی امیرالمومنین (ع) به قلم تجویدی ترسیم شده که در آن رنگها به عالیترین بیان و میراث فرهنگی شماره ۱۳

خطوط چهره به شیواترین زبان شخصیت روحانی و آسمانی علی (ع) را تصویر می کنند. به عقیده همه هنرمندان و نقاشان و کارشناسان هنر، شمایل امام حسین (ع) و امام علی (ع) اوج هنرنمایی و خلاقیت تجویدی است با همه اعتقاد و خلوص دینی.

در این گروه چند تابلوی بسیار زیبا و حزن انگیز از واقعه کربلا قرار دارد که هر یک به تناسب زیباترین و قوی ترین بیان هنری و دریافت مذهبی را از حماسه عاشورا ارائه می دهند.

بی شک مجموعه آثار مذهبی استاد محمد تجویدی گنجینه ای است که می بایستی توسط سازمان میراث فرهنگی کشور جزء آثار مذهبی و ملی به مجموعه موزهها افزوده شود. قابل ذکر است که

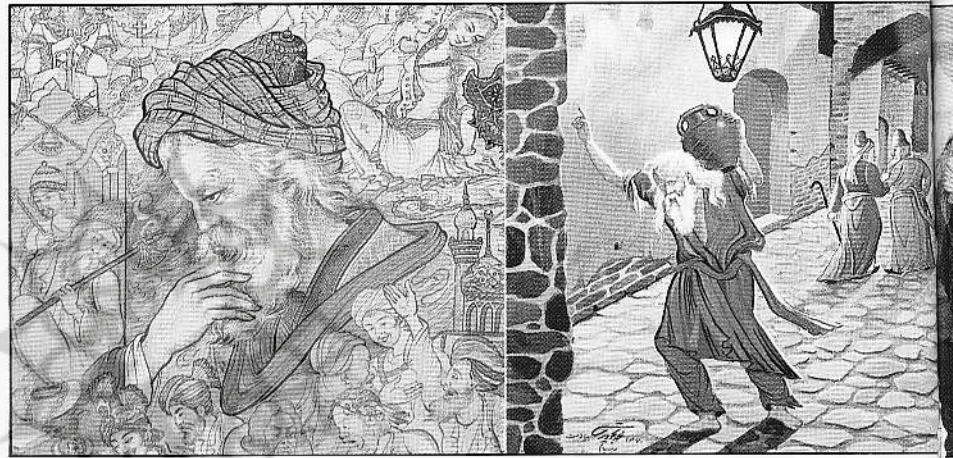
تجویدی در فاصله چند سفر به حج و عتبات و زیارت و مشاهده قبور متبرکه درحالت روحی بسیار ویژه ای جان و دل به خلق آثار مذهبی و شمایلها سپرده و این آثار حاصل خلوت ناب هنرمند با پاک ترین و عالی ترین دقایق عرفانی و معنوی اوست. پختگی، لطافت رنگها، سایه روشن ها و بکارگیری شیوه پرداز بر سطحی وسیع از بوم، بیان بسیار عمیق و حسی و روانشناسانه از حالات روحی پرسوناژهاست، به ویژه در تابلوهای وقایع عاشورا، بیانگر تسلط مطلق تجویدی بر قلم رنگ و ذهن در بیان احساسهای عاطفی است. به راستی که این آثار گرانبها از سر ارادت هنرمند به مقام و مرتبت والای دیانت و هنر ساخته و پرداخته شده اند و مترجمان عواطف رقیق و

انسانی هنرمند هستند.

محمد تجویدی در سال ۱۳۳۶ شمسی از سوی شورای عالی فرهنگ به سمت استادی نایل شد و سپس در هنرستانهای هنری وقت عهده‌دار تدریس و تعلیم شاگردانی گردید که امروزه خود هنرمندانی چیره دست هستند.

استاد محمد تجویدی با عنایت به مبانی ارزشمند هنر نگارگری سنتی ایران در مجموع نگاهی نوآورانه و توأم با جسارت هنری در طرحها و نقشهای خود ارائه داده است. این شهامت و ابتکار در بکارگیری عناصر جدید در نقش و رنگ که

به قصد تصویرگری دیوان حافظ و خیام و به ویژه کتاب معروف «حماسه هیزم شکن» قلم به دست می‌گیرد، نشان می‌دهد که به عنوان یک هنرمند نقاش و مینیاتورست پر تجربه، با مفاهیم و عناصر گرافیکی هنر غربیه نیست. به همین خاطر، با مهارت و چیره دستی در آشکاری شعر شاعران طریق ایجاد در طرح و تصویر را انتخاب می‌کند و آثارش را جان مایه‌های گرافیکی می‌دهد. به اعتقاد نگارنده محمد تجویدی چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمیّت و شیوه‌های اجرایی کار نقاشی، ابعاد جدیدی را در چشم انداز



حاصل کار و تلاش بی‌وقفه هنرمند و نتیجه شور و عاشقی به هنر و فرهنگ و ادب ایران اسلامی است باید مورد ارزیابی مجدد و تحسین قرار گیرد.

مجموعه آثار بازمانده از استاد محمد تجویدی بیانگر روانی و صلابت قلم در طرح و انتخاب رنگ است. این همه به دلیل کثرت آثاری است که تجویدی در مضامین متفاوت و شیوه‌های مختلف تکنیکی نقاشی آفریده است. همینجا باید اقرار و اذعان کرد که تجویدی افقهای جدیدی در آسمان نگارگری معاصر ایران گشوده است و حرکتهای نوین و توانمندانه‌اش در عرصه مینیاتور ما ماندگار خواهد بود.

تجویدی در آثار مینیاتور و قلم‌گیریهای استادانه خود به ویژه آنجا که

استاد، در موزه هنرهای ملی به پاس بزرگداشت و احترام و ادای دین به این هنرمند سزاوار تحسین برپا شده است.

پی‌نوشت:

- ۱- نقل قول از استاد علی‌اکبر صنعتی، مجسمه‌ساز و نقاش ارزنده معاصر.
- ۲- فهرست برخی از دیوان‌های شعر که توسط محمد تجویدی تصویرگری شده‌اند.

۱. رباعیات خیام، امیرکبیر، سال ۱۳۳۸ بیست تابلوی رنگی و ۵۲ مونیف.

۲. رباعیات خیام، امیرکبیر، سال ۱۳۳۹ بیست نقاشی مینیاتور با کیفیت عالی.

۳. رباعیات خیام، شرکت سهامی تحریر ایران، سال ۱۳۴۳، تعداد چهل و دو نقاشی از استاد تجویدی.

۴. رباعیات خیام، اقبال، سال ۱۳۴۷، به پنج زبان.

۵. رباعیات خیام، جاویدان، ج اول، سال ۱۳۵۱ مینیاتورها از محمد تجویدی، محمدعلی زاویه.

۶. رباعیات خیام، جاویدان، سال ۱۳۵۱.

۷. رباعیات خیام، پدیده، سال ۱۳۵۵.

۸. رباعیات خیام، پدیده، سال ۱۳۵۶. به شش زبان ترجمه شده است.

۹. رباعیات خیام، پدیده، سال ۱۳۵۶. به شش زبان ترجمه شده است.

۱۰. رباعیات خیام، اقبال، سال ۱۳۵۰. تعداد ۲۲ مینیاتور تصویر شده است.

۱۱. دیوان حافظ، کانون معرفت، سال ۱۳۳۶.

۱۲. دیوان حافظ، محمدعلی علمی، سال ۱۳۴۶.

۱۳. دیوان حافظ، جاویدان، سال ۱۳۴۲.

۱۴. دیوان حافظ، محمدعلی علمی، سال ۱۳۳۲.

۱۵. دیوان حافظ، مؤسسه مطبوعاتی علمی، سال ۱۳۴۲.

۱۶. دیوان حافظ، امیرکبیر، سال ۱۳۴۶.

۱۷. باباطاهر عریان، امیرکبیر، سال ۱۳۴۶.

۱۸. باباطاهر عریان، امیرکبیر، سال ۱۳۴۹.

۱۹. باباطاهر عریان، امیرکبیر، سال ۱۳۵۵.

۲۰. باباطاهر عریان، امیرکبیر، سال ۱۳۵۵.

۲۱. باباطاهر عریان، امیرکبیر، سال ۱۳۶۳.

۲۲. کتاب حماسه هیزم شکن، مؤسسه اطلاعات، سال ۱۳۴۴.

۲۳. گلستان سعدی، امیرکبیر، سال ۱۳۲۹.